

ذهنی» آغاز نمود. طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ میلادی نائب رئیس این اتحادیه و طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲م رئیس بخش شمال آفریقا و خاور میانه‌ی آن بود. همچنین یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه‌ی عربی انجمن‌های معلولان است. ظرف این سال‌ها بیش از هشتاد کنفرانس تخصصی با موضوع معلولیت ذهنی برپا و در بیش از صد و هشتاد کنفرانس مشابه در سراسر جهان شرکت کرد. همچنین طی این سال‌ها موفق شد با مقامات حکومتی لبنان رایزنی و زمینه‌ی تهیه و تصویب برخی لوایح قانونی مناسب را جهت حمایت از حقوق اجتماعی، درمانی، آموزشی، کار و مسکن معلولان کشور خود فراهم کند. مهم‌ترین نتیجه‌ی چهار دهه تلاش بی‌وقفه‌اش در راه توانبخشی کودکان و جوانان معلول لبنان، اعتماد به نفس فراوان، استقلال، خوداتکایی و حضور موفق دو فرزند خونی و صدها فرزند دیگرش در زندگی اجتماعی و بازار کار پرهیاهوی آن کشور است. بسیار خوش اخلاق، با عاطفه، مردمدار و دارای احساس مسئولیت است. در انسانیت و نگاه انسانی‌اش به انسان‌ها، از اندیشه و سیره‌ی پدر بزرگش آیت‌الله العظمی شرف‌الدین بسیار تأثیر پذیرفت. طی چهل سالی که زندگی‌اش را وقف رسیدگی به امور معلولان ذهنی نمود، هرگز ریالی بابت این خدمات حقوق دریافت نکرد. نتیجه‌ی تلاش‌های مخلصانه و مؤثر انسانی‌اش، کسب محبوبیت فراوان میان طبقات مختلف مردم و یافتن جایگاهی والا نزد مقامات عالی‌رتبه‌ی لبنان و حتی برخی کشورهای عربی است. تا جایی که از دولت لبنان بالاترین نشان افتخار، از ملک فهد پادشاه اسبق عربستان و از ده‌ها انجمن معلولان ذهنی پراکنده در سراسر جهان عرب، انواع لوح‌های تقدیر دریافت کرد. ده‌ها مقاله‌ی علمی پژوهشی در مجلات حوزه‌ی تخصصی‌اش نوشت. کتاب‌های ارزشمندی را نیز از خود به یادگار گذاشت که «الكفاءات الإنسانية إنماء وتطوير»، «الشلل الدماغی»، «الدمج المدرسی»، «متلازمة داون» و «الحقوق الإنسانية والإعاقاة العقلية» نمونه‌هایی از آن است.

[منابع: ملحقات بغیة الراغبین؛ سایت‌های روزنامه‌ی الخلیج؛ صُحتی؛ مجله‌ی المنال؛ مرکز الأعداد]

سید موسی صدر [ط ۳]

[رهبر دینی] [آیت‌الله (امام)]

متولد سال ۱۳۴۶ق/۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م

فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید اسماعیل صدر
فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی است. آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین

طباطبایی قمی پدر بزرگ مادری اش بود. فقیهی اصولی، فیلسوف، مصلحی اجتماعی و رهبر شیعیان لبنان در دو دهه‌ی آخر قرن چهاردهم هجری قمری بود.

در قم به دنیا آمد. در دبستان باقریه و دبیرستان حیات درس خواند. سال ۱۳۲۰ش پس از اتمام سیکل اول دبیرستان و فراگیری مقدمات علوم حوزوی رسماً به حوزه‌ی علمیه‌ی قم پیوست. دروس اجتهادی اش را طی سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۷ش در قم و نجف نزد پدر و آیات عظام سید محمد حجت کوهکمری، حاج آقا حسین بروجردی، سید محمد محقق داماد، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا عبدالهادی شیرازی، حسین حلی و مرتضی آل یاسین فرا گرفت. فلسفه و حکمت را نیز در قم و نجف نزد آیات الله سید محمد حسین طباطبایی و صدرا بادکوبه‌ای آموخت. بسیار باهوش، خوش فهم، سریع‌الانتقال و دقیق‌النظر بود. طی سال‌های تحصیل در قم و نجف با آیات معظم سید موسی شیرازی زنجانی، شهید سید محمد حسینی بهشتی و شهید سید محمدباقر صدر مباحثه‌ی منظم علمی داشت. در این مقطع چند دوره کتاب‌های مطول، معالم، شرح لمعه، قوانین، رسائل، کفایه و شرح منظومه را درس گفت. علمای زیادی در این درس حاضر شدند که آیات الله اکبر هاشمی رفسنجانی، یوسف صانعی، علی اصغر مسلمی کاشانی، سید محمد ابطحی کاشانی، علی ثابتی، زین العابدین قربانی و سید علی نقی شاهرخی خرم‌آبادی از مشاهیر آنها هستند. همزمان با تحصیلات حوزوی دیپلم ادبی گرفت و سال ۱۳۳۲ش در رشته‌ی «حقوق در اقتصاد» از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. در عین پابندی به فقه جواهری، فقیهی آزاداندیش و قله‌ی روشنفکری حوزه‌های علمیه در روزگار خود بود. برداشتش از معارف دینی، با دانش بشر و با اقتضائات زمانه کاملاً سازگار بود. آراء خلاف مشهور متعددی داشت. از بنیان‌گذاران مجله‌ی مکتب اسلام در سال ۱۳۳۷ش و اولین سردبیر آن بود.

پاییز سال ۱۳۳۸ش، خواسته‌ی آیت الله العظمی سید عبدالحسین شرف‌الدین و دعوت خانواده‌ی وی را پاسخ مثبت گفت و به لبنان کوچید. مهم‌ترین هدف هجرتش، استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی منحصر به فرد لبنان جهت شناساندن چهره‌ی عاقل، انسان‌دوست، کارآمد و سازگار با زمان مکتب اهل بیت (ع) به جهان معاصر بود. برای تحقق این هدف فعالیت‌های خود در لبنان را حول سه محور کلیدی متمرکز کرد:

محور اول، بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی طایفه‌ی شیعه‌ی لبنان بود. تنها راه نیل به این مقصود را آن می‌دانست که شیعیان لبنان در عرصه‌ی عمل بتوانند با بهره‌گیری از آموزه‌های

مکتب تشیع، عقب‌ماندگی، فقر و فلاکت خود را جبران کنند و به طائفه‌ای نمونه، فعال، مسئولیت‌پذیر، فداکار و مؤثر در سطح ملی ارتقاء یابند. برای این منظور از جمعیت خیریه‌ی «البر و الاحسان» آیت‌الله العظمی شرف‌الدین شروع کرد و با تقویت و تأسیس ده‌ها جمعیت خیریه‌ی دیگر و ده‌ها مؤسسه‌ی فرهنگی و آموزشگاه‌های فنی حرفه‌ای در سراسر لبنان، صدها پروژه‌ی کوچک و بزرگ را اجرا و وسایل اشتغال و خودکفایی اقتصادی هزاران خانواده‌ی بی‌بضاعت را فراهم نمود. سال ۱۳۴۷ش مدرسه‌ی صنعتی جبل عامل در همین راستا تأسیس شد. سال ۱۳۴۸ش مجلس اعلای اسلامی شیعه را تأسیس و ریاستش را تقبل کرد تا هم شیعیان لبنان را متشکل کند، هم هویت آنها را در آن کشور رسمیت بخشد، هم نهضت رفع محرومیت مناطق شیعه‌نشین را با بهره‌گیری از امکانات دولتی تقویت نماید. سال ۱۳۵۳ش جنبش حرکت‌المحرومین و تظاهرات بزرگ شهرهای بعلبک و صور را راه انداخت تا مردم را علیه اهمال دولت در رفع محرومیت مناطق محروم بسیج کند.

محور دوم فعالیت امام صدر، تبدیل لبنان به جامعه‌ای مقاوم علیه تجاوزات پیوسته‌ی اسرائیل بود. اسرائیل را «شر مطلق» می‌نامید. برپایی «مقاومت لبنانی» را نیز تنها راه جبران ضعف دولت و ارتش در دفاع از کشور می‌دانست. سال ۱۳۴۴ش آموزش نظامی جوانان شیعه را با اعزام گروهی از آنها به مصر آغاز کرد. از همان سال جوانان آموزش دیده‌ی شیعه را بر آن داشت تا فدائیان فلسطینی را در عملیات مقاومت درون فلسطین اشغالی همراهی کنند. سال ۱۳۴۹ش اعتصابی سراسری علیه اهمال دولت و ارتش لبنان در دفاع از مرزهای جنوب در برابر حملات اسرائیل برپا ساخت. سال ۱۳۵۱ش مقاومت لبنانی را به شکل غیررسمی راه انداخت که اولین عملیات جانانه‌ی مقاومت را در روستای فاووق علیه متجاوزان اسرائیلی به اجرا در آورد. اولین شهید مقاومت لبنانی، مؤذن چهارده ساله‌ی مدرسه‌ی صنعتی جبل عامل بود که سال ۱۳۵۲ش در دفاع از شهرک مرزی بنت‌جیبیل توسط متجاوزان اسرائیل به شهادت رسید. سال ۱۳۵۴ش پس از وقوع انفجاری در اردوگاه نظامی عین‌البُنَّیَّة، رسماً تولد «افواج مقاومت لبنانی» موسوم به حرکت «امل» را اعلان کرد. اولین عملیات بزرگ مقاومت لبنانی علیه تجاوزات اسرائیلی در سال ۱۳۵۶ش به آزادسازی شهرک‌های مرزی بنت‌جیبیل و طَیِّبه انجامید. در جریان اشغال سال ۱۳۵۷ش جنوب لبنان توسط ارتش اسرائیل، مقاومت لبنانی تنها گروهی بود که به رغم فرار فدائیان فلسطینی، در منطقه باقی ماند و حماسه‌ها آفرید.

اعتقاد داشت که ارتقاء سطح زندگی طایفه‌ی شیعه و نیز ساختن جامعه‌ای مقاوم در برابر

اسرائیل، تنها و تنها با اتحاد ملی مردم لبنان میسر است؛ و اتحاد ملی نیز جز از راه دوستی، همدلی و همکاری شیعه با غیر شیعه و مسلمان با غیر مسلمان پدید نخواهد آمد. لذا از همان بدو ورود به لبنان محور سوم فعالیت خود را آغاز و پرچم‌های گفتگوی ادیان و تقریب مذاهب را برافراشت. سال ۱۳۴۱ش فتوای طهارت اهل کتاب را مطرح ساخت. از همان سال، حضور گسترده در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان را کلید زد. سال ۱۳۴۲ش به واتیکان، اروپا، دانشگاه الأزهر و کشورهای عربی شمال آفریقا رفت و با رهبران ارشد دینی مسیحی و اهل سنت جهان رابطه‌ی دوستی برپا کرد. از همان سال پی‌ریزی روابطی دوستانه با عالی‌ترین مقامات سیاسی و حضور در مجامع فکری و علمایی کشورهای عربی را نیز آغاز نمود. سال ۱۳۴۴ش اولین دور گفتگوی اسلام و مسیحیت را در مؤسسه‌ی فرهنگی «الندوة اللبنانیة» راه انداخت. سال ۱۳۴۶ش با پاپ در واتیکان دیدار کرد. از سال ۱۳۴۷ش با مرکز اسلام‌شناسی استراسبورگ فرانسه همکاری آغاز نمود. سال ۱۳۴۸ش از مفتی اهل سنت لبنان دعوت کرد تا برای یکسان‌سازی شعائر، اعیاد و فعالیت‌های اجتماعی طوائف مسلمان لبنان، تشریک مساعی کنند. همان سال طرح مدونی را در این خصوص به اجلاس مجمع بحوث اسلامی قاهره ارائه کرد و به عضویت دائم مجمع مزبور درآمد. سال ۱۳۴۹ش رهبران اهل سنت و مسیحی لبنان را در کمیته‌ی «دفاع از جنوب» گرد هم آورد تا علیه تجاوزات اسرائیل چاره‌اندیشی نمایند. سال ۱۳۵۳ش در کلیسای بزرگ کبوشین بیروت خطبه‌ی عید موعظه‌ی روزی مسیحیان را خواند. در تمامی مراسم مذهبی شیعیان، همچنین در راه‌اندازی و اداره‌ی حرکت‌المحرومین و مقاومت لبنانی، رهبران مسیحی و اهل سنت لبنان را با خود همراه ساخت. هرگز حاضر نشد مقاومت لبنانی را شیعی یا اسلامی بنامد. سرسخت‌ترین مخالف جنگ طائفی دو ساله‌ی لبنان بود. سال ۱۳۵۴ش شش روز اعتصاب غذا کرد و سال ۱۳۵۵ش با همراهی عربستان سعودی سران کشورهای عربی را در ریاض گرد هم آورد تا نهایتاً اجماعی عربی بر پایان یافتن این جنگ نیابتی پدید آورد. طی دو دهه فعالیتش در لبنان هرگز دنبال این نبود که شیعیان را بر طوائف دیگر برتری دهد. تنها و تنها در پی این بود که شیعیان نیز در عرض دیگر طوائف لبنان و نه مقدم بر آنها، در ساختن آینده‌ی کشورشان نقش آفرین باشند.

در لبنان نیز به رغم فعالیت‌های گسترده‌ی اجتماعی و سیاسی‌اش، کارهای حوزوی و فرهنگی‌اش را کم‌وبیش ادامه داد. سال ۱۳۴۳ش حوزه‌ی علمیه‌ی «معهد الدراسات الاسلامیه» را در شهر صور تأسیس کرد و خود سال‌ها در آن به تدریس کتاب‌های رسائل، مکاسب و شرح منظومه

پرداخت. علمای زیادی در لبنان نزدش درس خواندند که حجج الاسلام والمسلمین شهید سید عباس موسوی، عقیف نابلسی، سید ابراهیم ابوالحسن، سید عیسی طباطبایی، حسن حریری، حسین درویش و محمدحسن اختری از مشاهیر آنها هستند. آثار مکتوب و عمدتاً شفاهی بسیار ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشت که تدریجاً توسط مؤسسات فرهنگی تحقیقاتی امام صدر در لبنان و ایران گردآوری، تنظیم، ترجمه و منتشر می‌شود. کتاب‌های «روح تشریح در اسلام»، «رہیافت‌های اقتصادی اسلام»، «نای و نی»، «ادیان در خدمت انسان»، «برای زندگی» و «سفر شهادت» نمونه‌هایی از این آثار هستند. اهل زهد، تقوا، خودسازی، معنویت و عرفان بود. در اوج روشنفکری، متعبد بود. بسیار خوش اخلاق، متواضع، دارای سعه صدر، اهل میانه‌روی، مدارا، گذشت و مردم‌دار بود. هرگز نسبت به مخالفینش کینه‌توزی و انتقام‌جویی نکرد. مانند پدرش جامع میان علم، تقوا، اخلاق، عقل، تدبیر، توان رهبری و در یک کلام انسانی کامل بود. گسترش مقبولیت و محبوبیتش میان مردم لبنان بی‌نظیر و چنان سریع و شدید بود که از همان سال‌های اول حضورش رهبر بلامنازع و امام شیعیان خوانده شد. آخرین روزهای حضور در لبنان را با لحظه‌شماری پیروزی انقلاب اسلامی ایران بسر برد. طی یادداشتی در روزنامه‌ی لوموند اعلان کرد که این نهضت امتداد ندای پیامبران است. نیز در آخرین نامه‌اش به امام خمینی قویاً توصیه کرد تا انقلاب اسلامی روابط دوستانه‌ای با عربستان سعودی و جهان عرب برپا کند.

روز نهم شهریور سال ۱۳۵۷ ش طی سفری رسمی به کشور لیبی توسط رژیم معمر قذافی رבוده شد. طی چهار دهه‌ای که از ربودنش سپری شده است، هیچ اقدام درخوری از سوی لبنان و ایران جهت نجاتش به عمل نیامد. نتیجه آن‌که امروز هیچ خبر موثقی از وضعیتش در دست نیست.

والله علی رجعه لقادر.

[منابع: جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم از آغاز تاکنون (۳)؛ عزت شیعه (۱ و ۲)؛ علماء ثغورالاسلام فی

لبنان (۱ و ۲)؛ یادنامه‌ی امام موسی صدر؛ سایت مؤسسه‌ی فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر]

مهدی اژه‌ای [ط ۶]

[عالم فاضل] [حجج الاسلام والمسلمین]

متولد سال ۱۳۶۹ق/۱۳۲۹ش/۱۹۵۰م

فرزند آیت‌الله میرزا علی محمد اژه‌ای و مادرش بانو سیده اشرف‌الحاجیه ابطحی فرزند